

افول پهلوان پنبه‌ها

فواد عبدالمهدی

در دنیای امروز کسی به افاضات سران و مقامات دولتها در خصوص «ترقی و بهبود در زندگی مردم» واقعی نمی‌نهد. کمتر کسی حاضر است که بحران اقتصادی امروز نظام سرمایه‌داری که اولین مشخصه آن حمله دولت‌های بورژوازی به سطح معیشت میلیاردها انسان است را پشت‌الدرم بلد مردم دولتها حول «رشد تولید ناخالص ملی» و «افتخار حفظ اقتصاد کشور» لاپوشانی کند. از متاخرترین الگوهای بورژوازی اداره



جامعه در دموکراسی غربی گرفته تا مستبدترین نمونه‌های آن در جایی مثل ایران، این مارتن و قحط در میان پهلوان پنبه‌های «دمکرات» و مستبد که ادعای «مابندگی اکثریت» جامعه را دارند برآستی تهوع‌آور است. در میان این شارلاتان‌ها که امروز «پیشقراول» دم زدن از فواید «اقتصاد» و فلاکت مردم شده‌اند، بی‌تردید جمهوری اسلامی مفتخر به اشغال سکوی اول در این مسابقه وقاحت است.

خانم‌های روز یکشنبه گذشته در جمع شوالیه‌های کارفرما و «قهرمانان» اقتصادی نظام که در طول چهل سال اخیر به جز مهندسی فلاکت و تبعیض «شغل» دیگری نداشته‌اند، باز در کمال بی‌شرمی وعده «بهبود و امید» در برابر مردم به ستوه آمده از فقر و نداری را داد و فرمود که «مردم ناراضی‌اند، درست هم می‌گویند و حق با مردم است؛ اما ظرفیت‌های خوبی داریم و بحمدالله نمونه‌های موفق تولیدی داریم و بنگاه‌هایی که منتظر رفع تحریم‌مانندند... تولیدی که متوجه به حمله دشمن است و این جهاد است؛ سنگر تولید و اقتصاد کشور بحمدالله زنده است، پابرجا است، آن لشکری که در مقابل دشمن ایستاد شماها بودید، همه شماها و همه فعالان اقتصادی در این افتخار شریکند، افتخار حفظ اقتصاد کشور».

جامعه‌ای که بنا به گفته‌ی مسئولین امنیتی بالا رتبه‌ی حاکمیت «در حال انفجار زیرپوستی» است و نارضایتی‌های اجتماعی حول معیشت تنها در یکسال گذشته ۳۰۰ درصد افزایش داشته است، اما گویا جناب «آقا» و سرنشینان کله‌گنده‌ی نظام را تکان نداده است و ظاهراً سواره خبر از حال پیاده ندارد!! چطور حاکمیتی که در سست‌ترین و شکننده‌ترین حلقه سیاسی - اقتصادی خود به سر می‌برد و «نخبگان» مدام به خطر پایان حیات نظام هشدار می‌دهند، حکومتی که بی‌کفایتی از خصائص ذاتی آن است و تاریخاً ثابت کرده است که در قبال رفاه و زندگی شهروندان جامعه بویژه در دوران‌های بحرانی، از سیل و زلزله گرفته تا بحران کرونا و معیشت مردم خم به ابرو نمی‌آورد، حاکمیتی که هر بار به قصد مقابله با مردم معترض کابوس طوفان‌های آبی خواب راحت را از سران و سرنشینانش سلب کرده است، ... صفحه ۲

-کارگران جهان متحد شوید!

سهم کارگر دیروز، امروز!

امان کفا

معضل معیشت و زندگی مردم، بیش از هر مسئله دیگر به محور اصلی جامعه و معیار رابطه مردم و حاکمیت تبدیل شده است. وخامت اوضاع و دغدغه دائمی مردم حول معیشت به حدی است که مقامات حکومتی را در مقابل اعتراضات وسیع و سراسری بخشهای مختلف مردم، که دیگر حاضر به قبول عدم پاسخگویی لازم به این شرایط نیستند، در موقعیت دشواری قرار داده است. امروز ایران، از تهران تا خوزستان، از تبریز تا اصفهان، از مراکز تولیدی و صنعتی تا مدارس و بیمارستانها و ادارات و ... در تب اعتراض علیه فقر می جوشد و حاکمیت بورژوازی و فاسد را به گوشه دیوار رانده و راه فراری برایش نگذاشته اند. ... صفحه ۲

اطلاعیه پایانی

کنگره پنجم حزب کمونیست کارگری کردستان

جنبش معلمان، دورنمای پیروزی

گفتگو با رادیو نینا

آسو سهامی: جامعه ایران شاهد اعتراض و مبارزه هماهنگ و سراسری فرهنگیان (معلمان و بازنشستگان) است. شما موقعیت کنونی جنبش معلمان را چگونه می بینید؟



مظفر محمدی: جنبش های اجتماعی را با سازمان، رهبری، شعارها و مطالبات و تاکتیک های مبارزاتی میشه شناخت. و گفت چقدر پرزور، رادیکال و پیشرو، جنبش معلمان به جرات می توان گفت بیشتر این خصوصیات را دارد. صاحب سازمانه، صاحب رهبری، مطالبات روشن دارد و شعارها و تاکتیک هاش تعرضی و از موضع

طلبکاره. قریون صدقه کسی نمیره که آقای رهبر جون خودت بچه هامون گشته ن لطفی بکن. یا کسی را که بعنوان رییس مملکت گماردنش هنوز چند ماه نگذشته جامعه و معلمان میگن: « ریسی دروغگو!»

در حال حاضر بزرگترین جنبش اجتماعی ایران، جنبش معلمان است. این جنبش به لحاظ کمیت بسیار بزرگ است. اگر همه اعضای حقیقی و آنانیکه به نحوی به آنها مرتبط هستند (دانش آموزان و اولیا) را محاسبه کنیم بیش از یک سوم جمعیت ایران. تحلیلگران داخلی میگن بهترین نامی که میتوان برای این جنبش به لحاظ اعمال قدرت گذاشت، سونامی، سیلاب یا طوفان باشد که میتواند هر آنچه را که در مقابل خود ببیند در هم شکند.

معمولا گفته میشه که فرهنگیان طبقه متوسط جامعه اند. از جمله تحلیلگران جمهوری اسلامی می گویند جمهوری اسلامی طبقه متوسط که بخشا پایگاه اجتماعیش بوده را از دست داده است. یا می گویند بحران اقتصادی و سیاسی طبقه متوسط را متلاشی و به جرگه ی طبقه کارگر و زحمتکشان اسیر فقر و فلاکت پرت کرده است.

اما از نظر من جنبش معلمان قبل از از این که طبقه متوسط باشد یا نه، خود بخشی و جزئی از مبارزه طبقاتی در ایران است. معلمان آن بخش از زحمتکشان جامعه هستند که مثل طبقه کارگر صاحب هیچ ابزار تولیدی نیستند. ولو کارشان غیرمولده اما معلمان همچون کارگران چیزی بجز فروش نیروی کار خود ندارند. مالک چیزی نیستند. خواست افزایش حقوق معلمان همان مطالبه افزایش دستمزد کارگران است تا بتوانند امرار معاش کنند. بعلاوه، در ایران در عرصه آموزش ما شاهد طبقاتی بودن این بخش جامعه هستیم. یکی از شعارهای معلمان فکر کنم مربوطه میگن: «من سیل خروشانم، نیروی کارم را ارزان نمی فروشم!»

فرهنگیان می گویند، مدارس روستاها و حتی شهرهای بلوچستان، کرمان، آذربایجان و خراسان در مقایسه با مدارس نورچشمی های شمال شهر تهران بیغوله هایی بیش نیست. ... صفحه ۲

آزادی
برابری
حکومت کارگری

اما دم از «افتخار حفظ اقتصاد کشور»، لاطانات «جهاد تولیدی» و «اقتدار ملی» می‌زند؟! چهل سال قبل خواسته‌های رفاهی و اقتصادی مردم انقلاب کرده را با این نوع اراجیف کوبیدند. فقری بی‌سابقه و غیر قابل توصیف به ده‌ها میلیون انسان تحمیل کردند. حقوق کارگر، معلم، پرستار و کل جامعه‌ی کارکن را نمی‌پردازند. تورم و گرانی بیداد می‌کند. و گویا اکنون قرار است مردم برای «جهاد تولیدی» و «حفظ اقتصاد» این نظام سر و دست بشکنند.

ارزیابی از شرایط جامعه و زندگی مردم در ایران ۱۴۰۰ و در قرن ۲۱ تنها در حیطه اختیارات دولت‌ها، اقتصاددانان حکومتی و رسانه‌های نان به‌نرخ روز خور آنها نیست؛ حقایق از نگاه مردم تشنه رفاه و آزادی با تفاسیر سران و «نخبگان» حکومتی از اوضاع جامعه کاملاً متفاوت است و از قضا امروز به گونه‌ای آشکار و تش‌آلود در برابر هم صف‌آرایی کرده‌اند. «افتخار حفظ اقتصاد کشور» و «جهاد تولیدی در برابر دشمن» چیزی نیست جز اسم رمز تحمیل بیکاری میلیونی، تورم سرسام‌آور، زندگی ۷۰ درصد جامعه زیر خط فقر، محرومیت میلیون‌ها کودک از تحصیل، فقدان امکانات بهداشتی و بیمه درمانی، محرومیت میلیون‌ها شهروند از بیمه بیکاری، اعدام و سرکوب مخالفین سیاسی، و در یک کلام اسم رمز چهل سال تحمیل استبداد سیاسی و فلاکت اقتصادی به مردم ایران است. «جهاد» خستگی‌ناپذیر این نظام مرتجع بر کسی پوشیده نیست و تکاپوی بی‌وقفه «مدیران» شارلاتان این نظام چیزی نیست جز تعرض به دشمن اصلی این نظام یعنی توده عظیم مردمی که برای معیشت و رفاه لحظه به لحظه در محلات کار و زیست، صفوف خود را برای ضربه نهایی فشرده‌تر و متحدتر می‌کنند. این نظام با علم و کتل «جهاد تولیدی» که مسبب بیکاری بیش از سه میلیون شهروند و قرار گرفتن بیش از ۱۴ میلیون کارگر بر لبه تیغ زندگی است به جز حرافی چیزی در آستین ندارد. ابراهیم رئیسی که طبق گفته مجلس‌نشینان نظام هر بار به نوعی با سوتی‌دادن‌ها مایه مزاج جامعه و بی‌آبرویی نظام می‌شود و پند دادن برخی از «مسئولان» به ایشان مثل تخم‌افشانی در شوره‌زار شده است، در جدیدترین «جهاد» خود در مقابل کارگری که در یک مجتمع تولیدی از مشکلات معیشتی و سود کم‌رشدن وام‌های تولیدی حرف می‌زد ناگهان برای لاپوشانی موضوع از کارگر مربوطه می‌پرسد که: «آیا به شما نهار داده‌اند؟»

اینها خود را به بی‌راهه نمی‌زنند؛ نفرت مردم از حاکمیت‌شان را می‌بینند و می‌شناسند. اینها اگر از پاسخ و رودرویی آشکار با مردم اجتناب می‌کنند تنها بخاطر اینست که خطر را احساس کرده‌اند؛ طبقه کارگر و جبهه محرومان جامعه ایران برای «ارجحزاری» از «تلاش» بی‌وقفه این نظام و معمارانش، دی‌ماه ۹۶ و آبان ۹۸ را خلق کردند. کارگران هفت تپه، فولادی‌ها، نفتی‌ها، معلمان، بازنشستگان و مردم تشنه رفاه، آزادی و آب در سراسر ایران برای خلاصی از دست فقر و زندگی روی لبه تیغ به میدان آمده‌اند. بلاخره میان انتخاب بین دو گزینه، یعنی یا تن دادن به زندگی زیر خط فقر و یا خیز برداشتن برای زندگی انسانی باید یکی را برگزید. مردم در ابعاد وسیع دومی را انتخاب کرده‌اند. مردم تقسیم ثروت می‌خواهند؛ نان می‌خواهند؛ بیمه درمانی و بیمه بیکاری می‌خواهند؛ مردم رفاه می‌خواهند؛ طب و تحصیل رایگان می‌خواهند؛ مردم آزادی می‌خواهند، کوتاه کردن دست ارتجاع اسلامی از شئون زندگی خود را می‌خواهند؛ زنان برابری می‌خواهند؛ لغو آپارتاید جنسی می‌خواهند. کودکان می‌خواهند از بیشترین نعمات زندگی برخوردار باشند. مردم می‌خواهند اداره امور جامعه را خود بدست گیرند و با خرد جمعی و شورایی اداره کنند.

روند رو به سقوط پهلوانان پنبه‌های این نظام مدت‌هاست که شروع شده است. مدت‌هاست که کوس رسوایی این نظام به صدا درآمده است. مدت‌هاست که سکوت از جامعه هشتاد میلیونی ایران رخت بر بسته است. این جامعه و روحیه این مردم روز به روز در مقابل حاکمیت آبدیده‌تر می‌شوند. صفوف این مردم به همت رهبران رادیکال - سوسیالیست طبقه کارگر هر لحظه به هم نزدیک‌تر و به هم بافته‌تر می‌شود. حرافی‌های خامنه‌ای و پا به فرار گذاشتن‌های رئیسی در جوار دستگاه سرکوب آنها، تاب مقاومت در برابر خروش مطالبات عمیق رفاهی مردم جان به‌لب رسیده ایران را ندارد. دوره زمانه عوض شده است؛ زمانه‌ی عرض‌اندام متحذانه و سراسری طبقه کارگر و محرومان جامعه در مقابل حاکمیت برای خافه دادن به بردگی و فقر است. برای کسانی که به علاج‌ناپذیری موقعیت اقتصادی و سستی بنیاد حاکمیت خود پی برده‌اند دم زدن از اقتصاد و تولید بیش از حد فکاهی و ساده‌لوحانه است. اگر کسی مشتاق است تا حدت اوضاع سیاسی و موقعیت کل حکومت در مقابل مردم را مشاهده کند باید به نبض یک آلترناتیو بنیادی در جامعه توجه کند: آلترناتیو رادیکال و سوسیالیستی «اداره شورایی»!

از نقطه نظر طبقه‌کارگر و اکثریت مردم محروم ایران، مشکلات اقتصادی و معیشتی تنها یک راه‌حل سیاسی دارد: انقلاب کارگری!

در حالیکه اکثریت مردم در ایران، به وعده‌ها و قسم خوردن‌های گذشته سران حکومتی در مورد گشایش و بهبود شرایط، اقتصاد مقاومتی و ... و دعوت رژیم به دادن «فرصتهای بیشتر» و «تحمل» واقعی نمی‌گذارند و کارشناسان و سخنگویانشان خطر انفجار اجتماعی خامنه‌سوز را به هم هشدار می‌دهند، بخشی از «عاقله‌های» شان از ترس آینده به منتقدین حکومت و سیاستهای آن تبدیل شده و به جبهه ترامپیست‌های اپوزیسیون پیوسته‌اند. این طیف درست مانند دوستان و یاران‌شان در این جبهه



همزمان با «افشا» سیاستهای جمهوری اسلامی و اعلام حمایت و همدردی با مردم معترض، یکصدا کثیف‌ترین تبلیغات را علیه خواست رفاه و آزادی و برابری، علیه عدالت اجتماعی و سعادت همگانی، علیه دخالت مردم در آینده سیاسی خود، علیه رادیکالیسم این اعتراضات و این جنبش و چپگرایی عمومی و توده‌ای، به راه انداخته‌اند. اتحاد کننده شده‌های حکومتی و ترامپیست‌های ایرانی به نام ضدیت با جمهوری اسلامی در حقیقت تحرکی علیه اعتراضات توده‌ای برای رفاه و آزادی است.

اما کودن‌های حکومتی همچنان از کارنامه «پرافتخار» جمهوری اسلامی در تحمیل فقر و فلاکت به اکثریت مردم دفاع کنند! چندی پیش علم الهدی، این سمبل وقاحت و حماقت جمهوری اسلامی، به سیاق رئیس‌جمهورهای پیشین و فعلی با دروغ و یواژه گویی فرموده است: «دستمزد روزانه در ایران به جایی رسیده که امروز، بر خلاف سال ۵۷، کارگر می‌تواند با یک سوم حقوقش نه نان و انگور، بلکه یک پرس چلوکباب بخورد!» این ادعا چنان فضاحت بار بود که حتی روزنامه‌های حکومتی و «کارشناسان» اقتصادی و ... صدایشان در آمد و از «نادقیق» بودن این ادعا گفتند و نوشتند. این اراجیف امام جمعه، البته نه اولین بار و نه تنها نمونه از حاکمانی است که کوچکترین ربطی به زندگی و مشکلات روزمره مردم ندارند.

سهم طبقه کارگر چه در دوره سلطنت پهلوی چه جمهوری اسلامی چیزی بیش از استعمار شدید، شرایط سخت و مشقت بار کار، زندگی زیر خط فقر، بیحقوقی مطلق، نبوده و نیست. چه در دوره پهلوی و چه امروز جواب اعتراض کارگر به فقر و بیحقوقی، زندان و گلوله بوده و هست. چه در دوره پهلوی و چه امروز طبقه کارگر از حق اعتصاب و تشکل، از آزادی بیان و تشکل سیاسی خود محروم بوده و هست. جواب اعتراض جوانان آزدیخواه در هر دو حکومت شکنجه و اعدام بوده و هست. یکی به نام «کمونیستهای ضد انقلاب» و دیگری به نام «چپ‌های خرابکار»!

پاسخ طبقه کارگر و مردم آزدیخواه به علم الهدی همان جوابی است که به حکومت پهلوی دادند. جدال بر سر رفاه، آزادی، حرمت انسانی، برابری، سعادت، عدالت اجتماعی با سرکوب انقلاب ۵۷ به پایان نرسید. این جدال امروز در ابعادی وسیع‌تر، با حضور بخشهای مختلف مردم، با خودآگاهی عمیق‌تر در میان طبقه کارگر و با درسگیری از انقلاب ۵۷ ادامه دارد. حکومت سیاه چهل و چند ساله جمهوری اسلامی دستیابی به این خواسته‌ها را به تعویق انداخت اما هرگز موفق نشد شعله آنرا خاموش کند. سرنوشت حکومت پهلوی در انتظار جمهوری اسلامی است. اما اینبار با حضور طبقه کارگری خودآگاه و با کمونیستهایی از جنس ما!

امروز روزیست که هر کارگر و انسان آزاده و معترضی در جامعه

ایران برای هر قدم پیشروی خود و خنثی‌کردن نقشه‌های شوم

حاکمیت دست به ایجاد مجامع عمومی، به شورا‌های کارگری

و مردمی در محل کار و زیست می‌زند و به این مکانیسم‌های

اجتماعی قدرت متکی می‌شود.

آزادی، برابری، رفاه، برخورداری از بهترین و پیشرفته‌ترین

نعمات مادی و در یک کلام تقسیم ثروت تنها با رفتن این نظام

و تنها با برقراری حاکمیت شورایی میسر است.

رهبری سراسری کنونی پتانسیل خوبی نشون داده و باید تحکیم و تقویت بشه. در میان معلمان صحبت از تشکل های موازی دیگری مثلا شورای عالی صنفی و از این قبیل هست که به نظر من کار درستی نیست. پیشترها هم تجمعات به صورت جزیره های جدا از هم بودند. اما امروز جنبش سراسری فرهنگیان این نقیصه را برطرف کرده است.

دوم- معلمان تا حالا روش های مبارزاتی پیگیری مثل تجمع، تحصن، تظاهرات و ... داشته اند، طولانی شدن اعتراضات و تهدید و فشارهای امنیتی ممکن است بخشی از فرهنگیان را دچار تردید کند که اصلا پیروزی ممکنه؟ جواب این سوال در شعارهای تجمعات معلمان و بازنشستگان داده شده است. گفتی و میگن: ما چیزی برای از دست دادن نداریم. راه برگشت نداریم، تداوم مبارزه تنها راه ما است. در نتیجه، تداوم پیگیرانه ی مطالبات و کسب پیروزیهای معین، سیاست تفرقه اندازی و خسته کردن معلمان توسط رژیم را خنثی می کند. شورای هماهنگی سراسری فرهنگیان در اعتراضات اخیر در میان طیفی از مطالبات به درست بر دو مطالبه پافشاری می کنند: یکی -رتبه بندی و همسان سازی حقوق ها است دوم- آزادی فعالین و رهبران جنبش معلمان.

همینطور دولت در رابطه با تهدید و بازداشت فعالین معلمان ترفند شل کن سفت کن را دارد. بعضی ها را که بازداشت کرده ازاد می کند و تعدادی را هم به زندان طولانی مدت محکوم می کند. اما این محکومیت ها برای معلمان به معنای پذیرش آن نیست. در تجمعات و اعتراضات معلمان مرتب بر آزادی همکاران خود پافشاری کرده و می کنند. آزاد کردن همکاران مثل آقای عیدی و دیگران به پیروزی بزرگه برای جنبش معلمان.

سوم- برگزاری مجامع عمومی معلمان. تجارب مجامع عمومی کارگری برای معلمان هم صدق می کند. مساله سازماندهی در هر جنبشی حیاتی و ضروری است. برگزاری مجامع عمومی مثل ستون فقرات برای جنبش های کارگری و معلمان و غیره. اول همه را شریک می کنه و همه را دخیل می کنه و هر کس خودش را یک عنصر مثبت و تاثیرگذار می بیند و غیبتش معلومه. در دل مجامع عمومی ایده های جدید مطرح میشن. در دل مجامع عمومی تصمیمات گرفته می شوند. نمایندگان انتخاب می شوند.

ممکن است کسی بگه پس هیات مدیره های کنونی کانون ها چی میشن. من میگم اعضای هیات مدیره های کانون ها اعضای مجمع عمومی اند و ممکن است مجمع معلمان یک کانون، همان هیات مدیره را نمایندند و مامور پیگیری مطالبات بکنند یا بخشی شان... در این صورت بازداشت و تهدید نمایندگان معلمان برای رژیم سخت میشه. چون تا بخاد یک یا چند نفر را بازداشت کنه فزادش کسان دیگر جایش را پر می کنند. این خاصیت مجمع عمومی است که نه قابل سرکوبه و نه قابل تعطیل شدن.

طرح شوراهای معلمان و دانش آموزان هم که از طرف معلمان مطرح شده، اتحاد پایدار و محکم توده معلمان را تامین و تضمین می کنند.

چهارم- تاکید بر همبستگی جنبش معلمان با دیگر جنبش های اجتماعی بویژه جنبش کارگری، حیاتی است. جنبش کارگری در ایران به پیشروی هایی رسیده و با گسترش همبستگی و تکیه بر مجامع عمومی و شوراهای محلی و منطقه ای و سراسری کارگران، می تواند تکیه گاه محکمی برای جنبش های اجتماعی دیگر از جمله فرهنگیان، زنان، زحمتکشان حاشیه شهرها و غیره باشد.

جنبش های اجتماعی از هم می آموزند. اتحاد و رهبری سراسری جنبش فرهنگیان یکی از پیشروی های شور انگیز است.

تجارب مجامع عمومی کارگری هم یک ابزار متحد و پر قدرت برای پیشرفت مبارزه طبقاتی در ایران، ترکیب و همزمانی این دو پدیده، یعنی جنبش مجامع عمومی و اتحاد و رهبری سراسری، توازن قوای بین پابینی ها و بالایی ها را تغییر میده. اولین گام پیروزی، گرفتن سهم واقعی کارگران و زحمتکشان و محرومان از کیسه دولت سرمایه دارانه. این کار ممکنه، دولت همه سرمایه ها جامعه را پشت تحریم ها قایم کرده و حاضر نیست سر کیسه را شل کند. مگر مجبور شود. و این کار همین جنبش های طبقاتی و اجتماعی کارگران و معلمان و دیگر بخش های پایین جامعه است.

پنجم - تبلیغات و مدیا. معلمان چند کانال در سوسیال میدیا دارند. مثل قلم معلم، معلمان عدالتخواه، شورای هماهنگی و غیره... اما به نظر من این هنوز همه ی عرصه های تبلیغات و آگاهگری را نمی پوشاند... ادامه در صفحه بعد

مدارس فرسوده و کلاس های زیر آلودگی در مناطق فقیر نشین و روستاها، شهریه های کلان و دست بردن به جیب خانواده ها، شعار توخالی شبکه ی شاد، عدم دسترسی اکثر دانش آموزان به موبایل هوشمند برای شرکت در کلاس های مجازی، نبود امکان ایاب و ذهاب دانش آموزان و غیره دارند. هم معلمان و هم دانش آموزان در جریان پاندمی کرونا آسیب های زیادی دیدند.

یا میگن، وضعیت مدارس، تفاوت میان مدارس دولتی و خصوصی و مدارس شمال و جنوب شهر و تفاوت سطح زندگی منطقه اعیان نشین شمال و زحمتکشان جنوب شهر را همه شاهدند. تفاوت میان مدارس دولتی و خصوصی همانند امروز از زمین تا آسمان است. اختلاف در مدارس شمال و جنوب شهر عمق زندگی طبقات و منافع متفاوتشان را نشان می دهد. تفاوت سطح زندگی در این دو منطقه وضعیت آموزش متفاوتی را هم نشان می دهد. نتیجتا فرزندان کارگران و زحمتکشان از امکانات آموزشی و رفاهی که فرزندان بخش های مرفه دارند، برخوردار نیستند. در جایی ثروت در دستان اقلیتی مفتخور جمع شده و در جایی دیگر وضع جامعه و معلمان و دانش آموزان اینه که می بینید.

همین امروز بیش از نیم میلیون کودک و نوجوان به جای تحصیل در مدرسه در خیابان ها و کارگاه ها کار می کنند. بیش از یک میلیون کودک و نوجوان در مناطق محروم تر ایران نمی توانند به مدرسه بروند.

به دلیل این فاصله طبقاتی و شرایط آموزش فرزندان کارگران و زحمتکشان که معلمان علیه تبعیض و ستم بپا خاستند و می گویند: کالایی کردن آموزش تعرض به سفره مردم است. خواستار الغای مدارس خصوصی، رفع تبعیض در مورد توزیع امکانات آموزشی، ایجاد برابری های آموزشی در سراسر کشور هستند و می گویند، بساط فروش علم را برچینید... محیط آموزشی باید به دست شورای معلمان و دانش آموزان سپرده شوند... این خواستها کاملا طبقاتی و ضد تبعیضه.

در میان مطالبات فرهنگیان مسایلی مطرح شده اند که منفعت کل جامعه را در بر دارد. مطالبات معلمان بویژه در بخش آموزش و کالایی کردن آن مستقیما کل جامعه و بخصوص کارگران و زحمتکشان را در بر میگیرد.

معلمان خود را صاحب جامعه می دانند و دخالت در امور آن را وظیفه خود می دانند. این پاسخی به گرایشاتی که میگن مبارزه معلمان صنفیه و فقط مربوط به حق و حقوق خودشان.

مثال و نمونه های دخالت معلمان در امور اجتماعی، زیاده. کانون مستقل معلمان تبریز از شهرداری شهر خواست عوامل فاسد را کنار بگذارد و به فوری ترین مسایل شهری تبریز برسد از قبیل: ترافیک، وضع اتوبوسرانی، اجازه فعالیت به کیوسکهای که توسط افراد بیکار نصب شده اند، همچنین کانون معلمان در مورد کارآموزان قضایی متحصن در دادگستری پیامی منتشر کرد و خواستار لغو تبعیض علیه معلمان زن شد.

معلمان به قالیباف و رییس سازمان برنامه و بودجه میگویند: شما میگید بودجه نیست در نتیجه رتبه بندی و همسان سازی نمی شود، باشه حالا که حقوق ما را همسان خودتان نمی کنید چون میگید بودجه ندارید و بار مالی دارد پس بیا بید حقوق های نجومی وزرا و وکلای مجلس و مدیران و روسا و و بانک ها، موسسات آموزش عالی و غیره را با حقوق ما همسان کنید. انوقت بودجه هم تامین می شود. اگر قرار است فقر باشد برای همه است. چرا برای شماها رفاه هست. بودجه هست و بار مالی ندارد ولی برای ما نیست. ما زیر بار این تبعیض طبقاتی و دروغ های شما نمی رویم. تا کنون دولت طرحی در پاسخ مطالبات معلمان مطرح کرده و بودجه ناچیزی را هم اختصاص داده اما معلمان باهش مخالفند و می گویند ناقص و معیوبه...

آسو سهامی: با این وصف که شما تعریف کردید، دورهای پیروزی معلمان را چطور می بینید؟ چه چیزی اعتراضات معلمان را به پیروزی می رساند؟

مظفر محمدی: در بخش اول صحبتام، خصوصیات پیروانه ی فرهنگیان را گفتم. به نظر من تاکید بر آن ها ضامن پیروزی است. من به چند فاکتور عمده اشاره می کنم.

یکی- حفظ و تحکیم رهبری سراسری. یک رهبری روشن بین، مصمم و جدی و رادیکال.

پایه حقوق جهات شمول انسان، قانون اساسی دولت آتی شوراهای است

یه وقتی مجلات هفتگی، ماهانه و بولتن های داخلی وجود داشت. معلمان با تبلیغات منظم، برگزار می‌شدند و انتشار بیانیه های روشنگرانه و خطاب به جامعه و بویژه طبقه کارگر می توانستند سد سانسور رژیم را بشکنند.

و بالاخره به رسمیت شناختن گرایشات و تنوع نظرات و نترسیدن از آن. در همه جنبش های توده ای گرایشات و نظرات متفاوت هست. در ضمن مبارزه این نظرات با هم برخورد دارند و صیقل می خورند. تجارب حداقل دو دهه اعتراضات اجتماعی، معلمان را آبدیده کرده است. تشخیص درست از غلط الان دیگر کار سختی نیست. مطالبات روشن و اعتراضات رادیکال و پیگیر جای هیچ تردیدی باقی نگذاشته است و بخصوص جنبش سراسری و توده ای معلمان همه ی تعلقات صنفی و محلی و منطقه ای را پس زده است.

معلمان به این نقطه قدرت آگاهند و می خواهند از آن دفاع کنند. جنبش حق طلبانه معلمان راه خود را پیدا کرده و دیگر به عقب بر نمی گردد. هیچ گرایش مضر احتمالی نمیتونه این نهضت بزرگ اجتماعی را پس بزنه یا به راه دیگری بیره. از نظر من ایجاد تشکل های موازی یا کم توجهی به جامعه عمومی که سنگر محکم اتحاد و حفظ امنیت فعالین است که زیان بخش است و نباید گذاشت اتفاق بیفتد.

فرهنگیان سوسیالیست و برابری طلب در حفظ اتحاد فرهنگیان و دستیابی به پیروزی هایی برای جنبش معلمان نقش بسزایی دارند.

آسو سهامی: آیا وضعیت قدرقند جنبش فرهنگیان فارغ از موانع و مشکلات است، اگر نه، چه موانعی پیش پای این جنبش قرار دارد؟

مظفر محمدی: موانع همیشه وجود دارند. راه هیچ مبارزه حق طلبانه ای صاف و سر راست نیست. مهم ترین مانع، جمهوری اسلامی و سیاست سرکوب از طرفی و تفرقه اندازی از طرف دیگر است. رژیم خیلی تلاش می کند جامعه را بخصوص خانواده دانش آموزان را علیه معلمان و برای اعتراض به تعطیلی مدارس به صدا در بیااره. تا حالا موفق نشده و همیشه به نظر من. در یکی از کانال های مجازی رژیم زیر عکس زنان معلم در میوان که تحصن کرده اند نوشته، «این خانم ها در اطاق گرم مدیر با چای و کیک از خود پذیرایی می کنند و دانش آموزان در کوچه و خیابان ها در سرما سرگردانند» و باز کسی از خودشان در کامنت نوشته، اگر معلم تحصن می کند، دانش آموز و والدین آن ها می توانند شکایت کنند!

در برنامه ۲۰ و ۳۰ تلویزیون جمهوری اسلامی هم گفته شده: «تجمع سراسری معلمان برای بیعت با رهبری و نظام در آستانه دهه فجر» و این همان فتوای خامنه ای است که گفت بسیجی ها و طلبه ها در مدیای مجازی فعال شوند! پاسخ جامعه و بویژه خانواده دانش آموزان اینه که آموزشی که معلمان دغدغه معیشت و فقر و نداری داره و دانش آموزش ششمش گرسنه است، پوچ و بی عملی است. آموزش نیست.

مانع سرکوب را هم فقط اتحاد سراسری و همبستگی های بین جنبش های اجتماعی بر می داره. تجربه هفت تپه و خود معلمان با جنبش سراسریشان، نشان داده در مقابل دشمن که شمشیر را از رو بسته، میشه ایستاد و وادار به عقب نشینی کرد. بعلاوه و خوشبختانه، معلمان در طول دو دهه اخیر، موانع زیادی را پشت سر گذاشتند. مثل، استفاده ابزاری اصلاح طلبان از فرهنگیان، مبارزه پراننده معلمان مثل جزیره های جدا ازهم، ناکارآمدی رهبری سراسری معلمان و بازنشتگان در گذشته و غیره. جنبش معلمان تا به امروز یکی یکی این موانع را از سر راه برداشته است.

در مواردی معلمان از عدم شرکت بخشی از نیروی خود گلگی یا انتقاد داشته اند. این خصوصیت هر نوع مبارزه است که از همان آغاز همه نمایان. پیشروان جنبش معلمان در عمل و با حوصله منافع معلمان را نمایندگی کردند و الان دیگه جایی برای غیبت کسی در مبارزه نمیداره. حتی در آغاز در اعتراضات و تجمعات معلمان زنان حضور کم رنگی داشتند و امروز می بینیم که حضور زنان معلم گسترده تر شده. این خصوصیت مبارزه جنگی و اتحاد و همدلی هر مبارزه ای است که با درایت و زیرکی و پیگیری، راه را برای همه نیروهای هموار می کند. از این لحاظ باید به پیشروان معلمان و توده مشارکت کنندگان فرهنگیان در جنبش خودشان، تبریک گفت. فراموش نمی کنیم و خود معلمان آگاهند که هر بار رژیم دست روی چند نفری از معلمان و سخنگویانشان می گذارد و تهدید و بازداشت و زندانی می کند. اما در عمل ثابت شده که بازداشت و زندانی کردن معلمان پیشرو اگر چه فشار بر معلمان است اما هیچوقت مبارزه را تعطیل نمی کند. فرهنگیان با تمام قدرت پشت فعالین و سخنگویانش ایستاده. یک خواست اصلی معلمان، آزادی همکاران زندانی شان است. همچنین معلمان خانواده همکاران زندانی شان را حمایت می کنند و تنها نگذاشته اند و می گویند، بازداشت و زندانی کردن اعضای این جنبش حقانیت ما را آشکارتر میسازد و هواداران جنبش را بیشتر میکند.

در آخر میخام بگم که جنبش معلمان، رنگ و بوی زندگی و مبارزه و امید به پیروزی را به جامعه بخشیده، تصویری از جامعه ای خروشان و طبقه کارگر و زحمتکشانی که راهی جز تلاش برای رفاه، آزادی، امنیت، حرمت و شخصیت و کرامت انسانی ندارند!

اطلاعیه پایانی کنگره پنجم حزب کمونیست کارگری کردستان

کنگره پنجم حزب کمونیست کارگری کردستان با حضور نمایندگان کنگره از سازمان های حزب در شهرهای کردستان و خارج از کشور، هیتتی از حزب کمونیست کارگری عراق و حضور چشمگیری از فعالین جنبش های کارگری، اجتماعی و شخصیت های سیاسی به عنوان مهمان در روزهای ۱۷ و ۱۸ دسامبر آغاز به کار کرد. کنگره با سرود انترناسیونال و یک دقیقه سکوت به احترام جانباختگان راه آزادی و سوسیالیسم شروع به کار کرد. سپس رفیق خسرو سایه گزارش کمیته مسئول برگزاری کنگره را در رابطه با کاندیداتوری و انتخاب نمایندگان ارائه داد که از سوی نماینده گان، به اتفاق آرا این گزارش تصویب گردید و به این ترتیب کنگره مشروعیت قانونی پیدا کرد. پس از تصویب دستور جلسات، مباحث کنگره و انتخاب هیئت رئیسه کنگره، رفیق «عثمان حاجی مارف» سخنانی ایراد کرد که در آن در خصوص آغاز به کار کنگره، ضمن خوش آمدگویی به نمایندگان و هیئت حزب کمونیست کارگری عراق و مهمانان، به اهمیت و جایگاه کنگره پنجم و همچنین نکات اصلی وضعیت سیاسی کنونی کردستان، عراق و منطقه اشاره کرد.

سپس رفیق «سمیر عادل» دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری عراق پیام حزب را تقدیم به حصار کرد و شروع به کار کنگره پنجم را به نمایندگان و تمامی اعضای حزب کمونیست کارگری کردستان تبریک گفت و بر اهمیت و جایگاه کنگره پنجم در سطح عراق و کردستان تاکید کرد و به وضعیتی که مبارزات کارگران و زحمتکشان در آن قرار دارد اشاره کرد. سپس کنگره به دستور جلسات خود پرداخت که عبارت بودند از:

۱. گزارش سیاسی دبیر کمیته مرکزی
۲. مانیفست حزب به منظور تغییر انقلابی
۳. قطعنامه درباره وضعیت سیاسی کردستان و جنبش اعتراضات مردمی
۴. قطعنامه جنبش کارگری و خطوط اصلی وظایف این دوره حزب
۵. کیفرخواست حزب کمونیست کارگری کردستان برضد حاکمیت ۳۰ ساله بورژوا - ناسیونالیست کرد
۶. کنگره سراسری شوراهای مردمی بدیل و آلترناتیو حاکمیت میلیشیایی کنونی
۷. قطعنامه ها
۸. انتخاب کمیته مرکزی ...

در اولین دستور جلسه کنگره، رفیق «عثمان حاجی مارف» گزارش سیاسی را ارائه داد و با جزئیات، اصلی ترین اتفاقات و تغییرات سیاسی ما بین دو کنگره که تاثیر برجسته ای بر اوضاع سیاسی منطقه، عراق، کردستان و همچنین حزب کمونیست کارگری کردستان داشته است را بیان کرد و همزمان بحثی را در مورد تبیین و انتظارات حزب را در رابطه به هرکدام از این اتفاقات و مسائل را ارائه داد. در دستور جلسه دوم کنگره، سند مانیفست حزب به منظور تغییرات انقلابی به بحث گذاشته شد. نخست رفیق «ریبوار احمد» در راستای معرفی و توضیح محتوا و خطوط اصلی این سند سخنانی را ارائه کرد و ضمن اشاره وضعیت سیاسی کردستان و همچنین مشکلات و موانع پیش روی طبقه کارگر و جنبش اعتراضی مردمی، راه چاره، آلترناتیو انقلابی و قدم هایی که در راستای پایان دادن به حاکمیت میلیشیایی بورژوازی کرد باید در پیش گرفت را ارائه داد.

وضعیت سیاسی کردستان و جنبش اعتراضی مردمی یکی دیگر از دستور جلسات کنگره بود که از طرف رفیق «محسن کریم» ارائه شد که در آن به مشخصات اوضاع سیاسی کنونی کردستان و جنبش اعتراضی مردمی و چگونگی رهبری و سازماندهی آن و همچنین افق دار کردن این جنبش که در آن به پیشروی و پیروزی آن کمک کند اشاره کرد.

جنبش کارگری کردستان و خطوط اصلی وظایف حزب، قطعنامه ای بود که از طرف رفیق «مهدی رسول» معرفی گردید. رفیق مهدی رسول در سخنانی به نقش و وظیفه حزب در جنبش کارگری و راهکاری که حزب را به جنبش کارگری وصل می کند، پرداخت کیفرخواست حزب کمونیست کارگری کردستان بر علیه حاکمیت ۳۰ ساله بورژوا - ناسیونالیسم کرد یکی دیگر از دستور جلسات کنگره پنجم حزب بود از طرف رفیق «عبدالله محمود» ارائه شد. وی در سخنان خود ضمن اشاره به اسناد و مدارک کارنامه ۳۰ ساله حاکمیت جنبش کرایتی، به جنایتهایی که در حق مردم کردستان انجام داده اشاره کرد و بر لزوم سرنگونی این حاکمیت از طرف آزادبخواهان جامعه مهر تاکید گذاشت. «کنگره سراسری شوراهای مردمی» به عنوان تنها بدیل و آلترناتیو به جای حاکمیت میلیشیای کنونی یکی دیگر از دستور جلسات کنگره بود که از طرف رفیق «عبدالله محمود» ارائه شد و در آن «کنگره سراسری شوراهای مردمی» به مثابه آلترناتیو و بدیل حاکمیت میلیشیای کنونی و پس از سرنگونی آن معرفی شد و وظایف پیش رو را مشخص کرد. پس از بحث و تصویب قطعنامه ها، کنگره در مورد پیشنهادات ارائه شده از طرف نمایندگان و کادرفهای حزب به منظور پیشبرد بهتر کار و فعالیتهای حزب تصمیم گیری کرد و در نهایت قسمتی از این پیشنهادات تصویب گردید و به دلیل کمبود وقت تصمیم گیری در مورد سایر پیشنهادات را به کمیته مرکزی منتخب کنگره واگذار کرد و کمیته مرکزی حزب را موظف کرد که در اسرع وقت به آنها رسیدگی و به اسم کنگره منتشر کند. همچنین در این میان چندین پیام پیشنهادی، همچون پیام به طبقه کارگر، پیام به زندانیان بادینان، پیام به دانش آموزان و دانشجویان و غیره را، تصویب گردید. آخرین دستور جلسه کنگره پنجم به انتخاب کمیته مرکزی حزب اختصاص پیدا کرد که در آن رفقا (عثمان حاجی مارف، دشتی جمال، آلان مارف، خسرو سایه، ریبوار عارف، نغده عثمان، ریبوار احمد، محسن کریم، عبدالله محمود، بنار مصطفی، جمال محسن، سوسن سلیم، فواد صادق، آزاد مجید، مهدی رسول، کامران لطیف، مصطفی باهر، محمود حلاق و احمد علی) به عنوان اعضای اصلی کمیته مرکزی و همچنین رفقا (شبابز محمود و دانا رفیق) به عنوان اعضای علی البدل کمیته مرکزی انتخاب شدند. به این ترتیب پس از دو روز کار فشرده، کنگره با سخنان اختتامیه عثمان حاجی مارف و با سرود انتر ناسیونال به کار خود پایان داد. پس از کنگره کمیته مرکزی منتخب پلنوم بیست و چهارم خود را تشکیل داد و به منظور سازماندهی و تجدید آرایش رهبری، رفیق «عثمان حاجی مارف» به عنوان دبیر کمیته مرکزی انتخاب شد و هر کدام از رفقا آلان مارف، ریبوار احمد، دشتی جمال، خسرو سایه، مهدی رسول، فواد صادق، جمال محسن، عبدالله محمود، آزاد مجید به عنوان مکتب سیاسی و رفیق «خسرو سایه» نیز به عنوان دبیر مکتب سیاسی انتخاب شد. همچنین یکی دیگر از تصمیمات پلنوم ۲۴ حزب، انتخاب مشاورین کمیته مرکزی بود که در آن رفقا (جلال سعید، منیر جبار، محمد عبدالله، شاهو علی و آراس رشید) به عنوان مشاورین کمیته مرکزی انتخاب شدند و سپس پلنوم ۲۴ کمیته مرکزی بر اساس پیشنهاد تصویب شده زمان برگزاری پلنوم آتی و کنگره ششم حزب را مشخص کرد.

حزب کمونیست کارگری کردستان
۲۰ دسامبر ۲۰۲۱
متن اطلاعیه توسط رفیق «آسو سهامی» از کردی به فارسی ترجمه شده است

hekmatist.com

یک دنیای بهتر



برنامه حزب حکمتیست را بخوانید!

تماس با حزب



@Hekmatistx

دبیرخانه حزب

dabirxane@hekmatist.com

دبیر کمیته مرکزی: آذر مدرسی

azar.moda@gmail.com

تشکیلات خارج کشور حزب: امان کفا

aman.kafa@gmail.com

دفتر کردستان حزب: سهند حسینی

sahand.sabet@gmail.com

کمیته تبلیغات: فواد عبداللهی

fuaduk@gmail.com

حکمتیست هفتک

سر دبیر: فواد عبداللهی

صدای آزادی، صدای برابری



نیانا

پخش برنامه های نیانا از کانال یک

برنامه های نیانا هر سه شنبه راس ساعت ۵:۳۰ بعد از ظهر به وقت تهران در شبکه تلویزیونی کانال یک پخش میشود.

مشخصات ماهواره:

Yahsat w1A

12073 عمودی 27500

Eutelsat W3A

10721 افقی 22000

پخش برنامه های نیانا از رادیو طول موج کوتاه

برنامه های نیانا هر جمعه راس ساعت ۹ شب به وقت تهران از طریق رادیو طول موج کوتاه پخش می شود.

مشخصات موج کوتاه رادیو:

SW 5910

نیانا را در شبکه های اجتماعی زیر دنبال کنید:

سایت نیانا

radioneena.com

ساوند کلود

soundcloud.com/radio-neena

اینستاگرام

instagram.com/radioneena

تلگرام

https://t.me/RadioNeenna

فیسبوک

facebook.com/radioneena